



## چگونگی تربیت دینی در عصر مدرن / والدین همراه امین فرزندان باشند

نشست سوم از سلسله نشست‌های دامنه فعالیت‌های فردی و اجتماعی مادر با موضوع «چگونه فرزندان دینی تربیت کنیم؟» به همت ایکنما قم با همکاری مؤسسه خانواده اسلامی و تربیت معنوی «خاتم» تقدیم مخاطبان می‌شود.

نشست سوم از سلسله نشست‌های دامنه فعالیت‌های فردی و اجتماعی مادر با موضوع «چگونه فرزندان دینی تربیت کنیم؟» به همت ایکنما قم با همکاری مؤسسه خانواده اسلامی و تربیت معنوی «خاتم» تقدیم مخاطبان می‌شود.

سیده معصومه طباطبایی پژوهشگر و حافظ کل قرآن کریم‌نشست سوم از سلسله نشست‌های دامنه فعالیت‌های فردی و اجتماعی مادر با موضوع «چگونه فرزندان دینی تربیت کنیم؟» به همت ایکنما قم با همکاری مؤسسه خانواده اسلامی و تربیت معنوی خاتم برگزار شد. در این نشست سیده معصومه طباطبایی، پژوهشگر و حافظ کل قرآن کریم که پژوهشگر حوزه تربیت فرزندان و خود صاحب دو فرزند است و در زمان بارداری فرزند دوم حفظ کل قرآن کریم را آغاز و به پایان رسانده است به ایراد سخنانی پرداخت که در ادامه از نظر می‌گذرد:

طباطبایی ضمن اشاره به اهمیت تربیت دینی فرزندان از سن پایین، بیان کرد: والدین هنوز خود به این باور نرسیدند که تحکیم تربیت کودکان از سنین پایین رقم می‌خورد درحالی که باید تربیت دینی فرزندان را فرآیندی در نظر بگیریم که از دوران پیش از رسیدن به سن تکلیف باید آغاز شود. در آموزه‌های دینی پدر و مادر باید از پیش از تولد فرزند برای تربیت و گرایش‌های دینی فرزندان برنامه ریزی کنند و پس از تولد فرزند، از همان دوران کودکی گام به گام مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها را برای فرزند تعیین کنند؛ بنای تربیت فرزند ملکه کردن مجموعه‌ای از صفات خوب و نهی کردن مجموعه‌ای از صفات نادرست و ناپسند است. هم سوسازی باورهای دینی فرزندان با والدین

طباطبایی با بیان اینکه چگونه فرزندمان در مسیری که متناسب با اعتقادات و فرهنگ خودمان است قدم بردارد گفت: اولین گام در تربیت دینی فرزند، آموزش است؛ باید در روش‌های به کارگیری برای تربیت فرزند دقت لازم را داشته باشیم؛ در حوزه آموزشی نکته مهم آن است که برای کودک یک جهان بینی از هستی برای او ایجاد کنیم در واقع زمینه‌ای را ایجاد کنیم که فرزندمان دنیای پیرامون خود را لمس کند اما باید بدانیم که تا پیش از ۶ سالگی تربیت فرزند باید غیرمستقیم باشد و همچنین از مفاهیم منفی برای کودک استفاده نکنیم. برای مثال زمانی که بچه کار نادرستی انجام می‌دهد یا عمل درستی انجام می‌دهد اما در نظر پدر و مادر صحیح نیست، پدر یا مادر او را با عبارتی همچون «اگر این کار را انجام بدهی خدا تو را دوست ندارد» سرزنش می‌کنند که با این عمل از خداوند یک شخصیت منفی و انتقام‌جو می‌سازیم درحالی که نباید از این ابزار استفاده کرد.

وی ابراز کرد: برای اینکه بخواهیم خداوند را مهربان و رؤوف برای نشان دهیم باید به صورت مصداقی و عملی برای او تثبیت کنیم، برای مثال با خریدن یک هدیه برای فرزندمان به او بگوییم این هدیه از سمت خدا برای پاداش کارهای خوب تو داده شده است، با انجام این امور بذر محبت خداوند را در دل فرزند کاشتیم؛ گام اول در پایه‌های اعتقادی فرزندانمان تحکیم بحث خدانشناسی و توحیدباوری برای آن‌هاست. استفاده از پرورش ذهنی فرزندان

طباطبایی ادامه داد: زمانی که فرزندمان در موقعیت‌ها یا بحران‌هایی مثل مرگ نزدیکان و خویشاوندان قرار گرفت و این تلقی در ذهن او نقش بست که اگر خداوند مهربان است، چرا مادر بزرگم را از من گرفت، نباید اجازه بدهیم فرزندمان در این دوگانگی و تضاد قرار بگیرد و چرخه طبیعت را برای او تشریح کنیم حتی اگر برای فرزند قابل درک و لمس است می‌توانیم تصویری از زیبایی‌های عالم آخرت برای او ترسیم کنیم.

وی استفاده از پرورش ذهنی کودکان را مورد توجه قرار داد و اظهار کرد: نکته بعدی در تربیت دینی فرزندانمان، استفاده از پرورش ذهنی کودکان است و در این مرحله باید فطرت کودک و نوجوان خود را بیدار کنیم و با این عمل از زمینه‌هایی که خداوند در وجود انسان ایجاد کرده است برای تربیت دینی او استفاده کنیم.

طباطبایی با بیان اینکه کودکان و نوجوانان آنچه را که تجربه می‌کنند می‌پذیرند، تصریح کرد: زمینه را برای تجربه کردن فرزندانمان ایجاد کنیم برای مثال در زمان‌های محدود و مدیریت شده می‌توان آن‌ها را همراه خویش به اماکن و مجالس مذهبی ببریم و یا از مهدهای ویژه کودکان که در برخی از اماکن زیارتی و مذهبی است بهره‌مند شویم.

وی با اشاره به اینکه ابزار قصه و داستان برای تربیت دینی مفید و حائز اهمیت است، اظهار کرد: در آموزه های دینی نیز آمده است که در شرایط مختلف و متناسب با اقتضای سنی فرزندان برای تعلیم و تربیت او باید از شیوه بازی کردن استفاده کرد.

پژوهشگر حوزه تربیت کودک با اشاره به اینکه والدین بی اعتقاد به باورهای دینی، نمی توانند کودکانی با اعتقادات دینی تربیت کنند، بیان کرد: مؤثرترین روش برای یاد دادن مفاهیم دینی به فرزندان، در درجه اول باور والدین نسبت به اعتقادات دینی و سپس انجام آن امور توسط آن هاست و تا زمانی که خود والدین نسبت به امور دینی اعتقاد نداشته و غیرمذهبی باشند نمی توانند مربیان خوبی برای کودک خود باشند.

وی با بیان اینکه تربیت دینی فرزندان یک امر دیربازده است تصریح کرد: صبر پیشه کردن در تربیت دینی فرزند و تشویق آن ها نکته حائز اهمیت است که والدین باید به آن توجه کنند البته تشویق نباید همیشه یک هدیه گران قیمت و مادی باشد زیرا به مرور سبب شرطی شدن فرزندان می شود لذا تشویق می تواند معنوی و غیر مادی نیز باشد.

طباطبایی با بیان اینکه از فرصت های خوب برای آموزش دینی به فرزندان استفاده کنیم، اظهار کرد: زمان خواب فرزند، نامناسب بودن وضعیت جسمی و روان او، هنگام دعا و بروز ناراحتی زمان مناسبی برای تعلیم آموزه های دینی به فرزندان نیست.

وی با تأکید بر اینکه پیش از اینکه ذائقه کودک و نوجوان جذب مفاهیم غیر دینی شود باید تربیت دینی را آغاز کرد افزود: اگر فرزند ما تمایل به برنامه های کودک جذاب غیر دینی و با پوشش غیراسلامی دارد باید در وهله اول والدین همراه و پایه پای او به تماشای برنامه کودک بنشینند و سپس با لحنی مناسب برای او شرح بدهیم که به چه علت نباید این برنامه را تماشا کند و برنامه مثبت دیگری را جایگزین آن کنیم. اعتقادات دینی باری بر دوش فرزندان نیست

طباطبایی با یادآوری این نکته که فرآیند تربیتی در عرصه های مختلف باید به تناسب نیاز و ارتقای عقلی بچه ها تغییر کند، تصریح کرد: بسیاری از والدین نسل جدید براین باورند تا رفاه و آزادی هایی که خود در دوران کودکی نداشتند، برای فرزندانشان فراهم کنند و حتی گاهی فراهم آوردن رفاه و آسایش برای فرزند فراتر از توان مالی و معنوی خانواده نیز می رود؛ لذا التزام به مسائل اعتقادی و دینی را به عنوان یک بار سنگین برای کودک یا نوجوان خود می دانند، بنابراین این کودک یا نوجوان هنگام ورود به مدرسه و با تجربه حضور در اجتماع و فضای جدیدی غیر از محیط خانواده، اطلاعات و مفاهیم غیردینی را به راحتی دریافت می کند.

وی ادامه داد: برخی از والدین مذهبی نیز برای تربیت فرزندان خود از ابزار اجبار و سرزنش بهره مند می شوند و این سبب می شود تا فرزندشان در نبود والدین از هر فرصتی سوءاستفاده کنند؛ نباید از این نکته غافل شویم که پدر و مادر باید همراه امین فرزندانشان باشند برای اینکه بتوانند بحران هایی که برای آن ها اتفاق می افتد را مدیریت کنند. زمانی یک پدر و مادر می توانند تربیت درست داشته باشند که در همه مراحل زندگی از کودکی و نوجوانی تا دوران مدرسه و دانشگاه همراه فرزندانشان باشند و حتی در عرصه انتخاب دوست فرزندشان نیز به صورت غیرمستقیم باید راهبر و راهنمای او باشند برای مثال با خانواده هایی که هم سو و هم فکر ما هستند روابط بیشتری داشته باشیم و یا در انتخاب مدارس دقت لازم را داشته باشیم و این مسئله بدان معنا نیست که لزوماً یک مدرسه غیرانتفاعی انتخاب کنیم.

رعایت حریم های غیر ضروری با فرزندان

طباطبایی با اشاره به آموزش مسائل جنسی به فرزندان گفت: در مراحل تربیتی و به اقتضای سن کودک، باید حریم خصوصی را برای او تشریح کنند برای مثال به او آموزش دهند که بدون اجازه وارد اتاق خواب والدین نشوند و یا حریم خصوصی بدن فرزند را برای او مطرح کنند اما ما حق نداریم در سن پایین درباره تمام مسائل جنسی به فرزندان توضیح بدهیم زیرا بستری برای بلوغ زودرس آن ها ایجاد می شود.

وی در پایان افزود: برخی از باورها و فرهنگ های نادرست و غلط سبب شده است تا والدین حریم های غیر ضروری را میان خود و فرزندانشان حائل و رعایت کنند که نامطلوب است در حالیکه نباید اینگونه باشد زیرا اگر ما به عنوان والدین برای تربیت فرزندان به ویژه تربیت جنسی آنان اقدامی انجام ندهیم و آن ها را آگاه کنیم دیگران این اطلاعات را درست و غلط یا کم و زیاد در اختیار آنان قرار می دهند.